

اعلامیه جهانی لائسیسته و به مناسبت یکصد و هشتمین سالگرد قانون لائسیسته.

ماه دسامبر، در محفوظات تاریخی مربوط به لائسیسته اهمیت خاصی دارد و به مناسبت و به پیشواز آن، بحثی را در یکصد و هشتمین سالگرد آن قانون می‌گشایم. در دسامبر 1905 آقای ژول فری قانون لائسیسته را به مجلس فرانسه برد. روندی که در آن روزگاران منجر به این قانون‌گذاری شد، از جمله جدل مابین پوزیتیویست‌ها و کلیسا بود که با اعلام آقای فری در مجلس که: "...تکلیف دین را مدرسه معین می‌کند..." بنا بر این بود که علم و تجدد و دانش، به برهه دین‌باوری و دین‌داری، پایان خواهد داد. "انقلاب مسیحی" روندی کندتر داشت و چند قرن به طول انجامید تا مسیحیت قرون وسطی به طور عام، و مذهب کاتولیک به طور خاص، منقلب شد و به قسمی که امروزه می‌بینیم رسید. تجربه ایرانیان و قانون اساسی جمهوری اسلامی، در خلاف این جریان شنا کردن بود. از جمله به این دلیل بود که "انقلاب اسلامی" در روندی شتاب‌گیر در سه دهه، امروزه به اینجا رسیده است. با تفسیر "خلیفه‌گری" از "جمهوری" و با ابداع "ولایت فقیه" در "اسلام" می‌بینیم که "جمهوری اسلامی ایران" در عین اینکه نه جمهوری است و نه اسلامی، با ایران و ایرانی و ایرانیت هم در تضاد مستقیم واقع شده است و حیات ملی ما را هرچه بیشتر به لبه پرتگاه نزدیک می‌کند، و این در حالی است که مهره‌هایی در مقامات کلیدی آن می‌آیند و می‌روند و این رژیم هرروزه اصلاح‌ناپذیرتر می‌گردد. "دولت دینی" به "دین دولتی" مبدل شده است و قدرت‌مداران در داخل و خارج کشور، در شعار "حفظ نظام، از اوجب واجبات است" با آقای خامنه‌ای هم‌صدا شده‌اند.

لائسیسته را در معنایی عمل‌گرا، به این ترتیب ارائه کرده‌ام:

اینکه هر فردی مختار باشد که به طور هرچه خودانگیخته‌تر، عقیده و دین را بدون هیچ اکراهی اتخاذ کند؛ و اینکه هر فردی مختار باشد که به طور هرچه خودانگیخته‌تر، نوع آن عقیده و دین را بدون هیچ اکراهی، خودش انتخاب کند، این خودانگیختگی است که لائسیسته را در سطح افراد و هسته‌های مردمی و به تبع آن در سطح جامعه و ملت به طور عملی متبلور می‌کند. این تبلور، با اشراف به، و بر اساس حقوق ذاتی بشر (از جمله استقلال و آزادی) استوار است. یک چنین جامعه و ملتی به این ترتیب، یک قانون اساسی تدوین می‌کند که مملو از حقوق و خالی از مرام باشد و بدین ترتیب مردم به طور مداوم، لائسیسته را هرچه بیشتر به دولت تحمیل می‌کنند که دولت نسبت به نهادهای دینی و عقیدتی، پیوسته بی‌طرف‌تر بگردد.

تذکر این امر بسیار مهم است که یک فرد نمیتواند لائیک باشد. ولی یک فرد و افراد و هسته‌های مردمی و در نهایت جامعه و ملت اول باید خود به لائسیسته باورمند باشند تا بتوانند یک قانون اساسی تدوین کنند که خالی از مرام و مملو از حقوق باشد. افراد و جوامع باید با عرفان به حقوق فردی و ملی خود، بتوانند بی‌طرفی را از دولت نسبت به بنیاد دینی و عقیدتی، طلبکارانه مطالبه کنند. مردمسالاری (و همه مفاد آن از جمله لائسیسته) یک فرهنگ است. در یک کشوری که ملتی کم‌آشنا و یا ناآشنا با فرهنگ مردمسالاری دارد نمیتوان تصور کرد که یک دولت دیکتاتور و سرکوبگر وجود نداشته باشد. و همچنانکه دیدیم دموکراسی را با زور "رسیدن به دروازه‌های تمدن بزرگ" و یا قشون‌کشی به کشوری (عراق و افغانستان) نمیتوان به دست آورد. مردمسالاری یک فرهنگ است که باید به دست خود ما مردم ساخته و پرداخته شود. بدون فعالیت فرهنگی همه ما مردم، فرهنگ مردمسالاری و خشونت‌زدایی و حقوق‌مندی بوجود نمی‌آید. انواع و اقسام فعالیت فرهنگی به تعداد افراد و هسته‌های مردمی، متعدد است. کمترین فعالیتی که می‌توان در امنیت کامل انجام داد، اینست که چند نفری از دوستان و آشنایان که در سلیق و افکار با همدیگر بعضی نقاط مشترکی دارند و به مناسبت‌های مختلف در کنار هم اوقاتی را طی می‌کنند، با اختصاص دادن مدت زمان کوتاهی از نشست و برخاست‌های معمول خود، به مفاهیم (1) مربوط به مردمسالاری و شهروندی بپردازند. به این ترتیب است که فرهنگ مردمسالاری در جامعه تولید و منتشر می‌گردد و به این ترتیب است که مقدمات استقرار و استمرار مردمسالاری، یک مردمسالاری پویا و به نقطه برگشت ناپذیر رسیده، در وطن

مهیا می‌شود. شهروندان براننده این نام، در همین دور هم جمع شدن‌ها است که "[هسته‌های مردمی](#)" (2) را تشکیل می‌دهند و با اعتماد به نفس فردی و ملی، در تعیین سرنوشت خویش، نقش‌آفرین می‌گردند (3).

پس ضروری و بلکه حیاتی است که مردمسالاری و ویژگی‌های آن به طور هرچه شفاف‌تر تعریف شود و مفاد و اصول آن به شکل هرچه آسان‌تر (1) و قابل‌فهم‌تر، در جامعه به بحث گذاشته شود.

هنر آن نیست که پیچیده بگویی سخن ساده ی خود را /// لیک گر ساده بگویی تو معمای جهان، آن هنر است!

از جمله از [اصول و مفاهیم مردمسالاری](#)، می‌توان به [استقلال](#) (4)، آزادی، لائیسیته (5) (7) (8)، [رسانه‌های همگانی](#) (9)، جمهوریت، رشد بر میزان عدالت، احترام به تنوع قومی و فرهنگی، پاسداری از محیط زیست و میراث‌های تاریخی و فرهنگی، برابری در مقابل قانون... اشاره نمود. در این باب "[مجامع اسلامی ایرانیان](#)" (10) و "[همبستگی ملی جمهوری‌خواهان ایران](#)" (11) متون خوب و پیشروئی را به جامعه ارائه کرده‌اند که لینک آنها (10) (11) در ذیل آورده شده است.

در عصر حاضر دولت به مثابه محل توازن قوای داخلی و خارجی است و به این ترتیب شکل می‌گیرد. با این توجه، جنس دولت از قدرت است و متناسب با میزان منفعل بودن شهروندان، به سمت دیکتاتوری و تمامیت‌طلبی میل می‌کند. هرچه شهروندان و هسته‌های مردمی در عرصه تعیین سرنوشت خویش بیشتر حاضر بمانند، به همان درجه از عیار قدرت در آلیاژ دولت کاسته می‌گردد و به این ترتیب جامعه به سمت الگوی مردمسالاری مستقیم مشارکتی مشاورتی، به پیش می‌رود. در چنین روندی، نقش افکار عمومی غیر قابل انکار است و سیر آزاد اندیشه و خبر و نظر در پیشبرد جامعه به سوی این الگو نقشی حیاتی دارد. در این زمانه جای خالی رسانه‌های همگانی به عنوان شاخه چهارم دولتی حقوق‌مدار نمایان است.

دین و عقیده از جمله ابزار مهمی است که دولت برای تمرکز قدرت و افزایش سرکوب و خشونت (14) و [اعدام](#)، به کار می‌برد. بعد از مدتی، در عمل آن دین و عقیده به نقطه مقابل خود مبدل می‌گردد. در جامعه‌ها عده معدودی، آن دین و عقیده را توجیه‌گر انتخاب هر وسیله‌ای برای رسیدن به هدف موعود می‌کنند. به این ترتیب قدرت‌مداران و زورپرستان "دیکتاتوری صالح" و یا "حزب پیشرو" و یا "اسلام ناب محمدی" و یا "ایدئولوژی شاهنشاهی" و "دروازه‌های تمدن بزرگ" را هدف قرار داده و با شستشوی مغز عوامل اختناق و سرکوب، برای رسیدن به آن هدف هرگونه وسیله ضد آن را حلال و ضرور تبلیغ می‌کنند. غافل از اینکه وسیله آینده‌ای از هدف است. با نگرش به وسایل بکار برده شده توسط هر فرد و گروهی است که اهداف واقعی آنها را می‌توان به وضوح پیش‌بینی نمود.

با توجه به تکاثر واضح در باور و دین و عقیده مردمان، در کشور و در جهان، نیاز است که گفتگوهای سازنده بین افراد جریان داشته باشد که با استفاده از سیر آزاد اندیشه و خبر و نظر، از میزان خشونت‌ها در جوامع بشری و در دنیا کاسته شود. با تلاش برای اشاعه بحث آزاد و تحمل عقاید و باورهای دیگران و ترویج کثرت‌گرایی و روشهای خشونت‌زدایانه است که تصور یک جامعه همساز، در یک کشور و در جهان، متصور می‌گردد.

به مناسبت یکصدمین سالگرد قانون لائیسیته، در تاریخ نهم دسامبر 2005 "[اعلامیه جهانی لائیسیته در قرن 21](#)" (16) در مجلس فرانسه ارائه شد. متن این اعلامیه توسط تعدادی اکادمیسین از نقاط مختلف دنیا، به زبان [فرانسه](#) (16) تدوین گردید و از فرانسه به فارسی ترجمه شد (15). در آستانه یکصدو هشتمین سالگرد قانون لائیسیته، ترجمه متن انگلیسی (12) این اعلامیه را، که در جای دیگری ندیده‌ام، با امید افزایش تبادل نظر و بحث و گفتگو در این زمینه به هموطنان گرامی تقدیم می‌کنم. کلمه "لائیسیته" فرانسوی است. این کلمه که ریشه فرهنگی یونانی آن "لائوس" به معنای "آحاد مردم" است را به سال 1842 در فرانسه پی‌گیری کرده‌اند. ولی در سال 1871 به واسطه کارزار کوتاه کردن دست معلمهای دینی از دبستانها بود که مصرف این لغت در فرانسه جا افتاد. ترجمه فارسی خوبی از کلمه لائیسیته ارائه نشده است و در این نوشته هم از همین لغت که سابقه تاریخی طولانی دارد استفاده شده است. لائیسیته در فرهنگ انگلوساکسون و کشورهای که مذهب پروتستان شایعتر است، کمتر بکار می‌رود. در این کشورها بیشتر از لغت "سکولاریسم" استفاده می‌شود. دو مقوله لائیسیته و سکولاریسم کاملاً از هم جدا هستند. به نظر من این دو لغت، تاریخچه و معانی کاملاً متفاوتی دارند و یکی را به جای دیگری نمی‌توان بکار برد. با توجه به تاریخ سیاسی دینی در ایران و در منطقه، به خصوص در سه دهه اخیر، نگرش به لائیسیته را برای استقرار و استمرار مردمسالاری در وطن، بسیار مناسب‌تر می‌دانم تا سکولاریزاسیون.

این متن از روی متن فرانسه به زبان انگلیسی ترجمه شده است و کمبودهایی دارد. انتقاداتی هم به بعضی مفاهیم به کار برده شده وارد است که باید در تدقیق آنها کوشید. در این ترجمه تلاش کرده‌ام متنی را ارائه دهم که حتی‌الامکان ترجمه لغت به لغت متن انگلیسی باشد و از تاویل و تفسیر و ابراز نظر شخصی پرهیز کرده‌ام.

جای تعجب است که این اعلامیه، به رسانه‌های همگانی اشاره نمیکند و این را یک کمبود عمده برای این متن می‌دانم. چگونه بتوان اطلاعیه‌ای در باب مردمسالاری و حقوق بشر و باور و عقیده و نظر و دین و اندیشه تدوین کرد بدون اینکه در آن به سیر آزاد و مستقل اندیشه و نظر و خبر اشاره شود؟ در فراخوان جبهه از طرف "مجامع اسلامی ایرانیان" و در پیمان و "همبستگی ملی جمهوری‌خواهان ایران" به نقش رسانه‌های همگانی و به عنوان [شاخه چهارم \(13\)](#) دولت پرداخته شده است. ولی در بیشتر اساس‌نامه‌ها و مرام‌نامه‌ها و منشورهای که توسط تشکیلات مختلف تدوین شده، به این مهم کمتر توجه مبذول گردیده است.

علی صدارت

نوزدهم اکتبر 2013

برگرفته از وبسایت انقلاب اسلامی